

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه مورخه ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰ برابر به ۹ آبان ۱۳۹۹، در مسجد بیت مبارک اسلام آباد تلفرد خطبه جمعه را ایراد فرمودند که با ترجمه به زبانهای مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد.

حضور انور فرمودند. در خطبه گذشته ذکر حضرت معاذ در ادامه بود. معاذ مرد سخاوت مند بود بدین دلیل ناچار بود که وام بگیرد. باری طلبکاران در خدمت پیامبر اکرم حاضر شدند و از ایشان خواستند که برای پرداختن قرض به حضرت معاذ بگویند. پیامبر اکرم اول از گذشتن بدهی به آنها سفارش کردند آن گاه بعضی مردم قرض را معاف کردند سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم املاک وی را میان آنها تقسیم کردند. اما بدهی طلبکارا کاملاً ادا نشد. وقتی پیامبر اکرم معاذ را جهت نماینده و قاضی برای یاد دادن قرآن و دین به طرف یمن فرستادند و اجازه دادند که اگر کسی هدیه بدهد باید آن را قبول بکنی. ان وقت پیامبر اکرم این نظر را نیز ابراز نمودند که شاید معاذ دیگر نمی تواند با من ملاقات بکند. با شنیدن این معاذ شروع به گریستن کرد. پیامبر اکرم فرمودند که از مردم کسانی که به من نزدیک ترین اند پارسا هستند هر که باشد و هر کجا باشد. عاملین یمن زکوة را جمع می کنند و به طرف حضرت معاذ بن جبل می فرستادند. حضرت پیامبر اکرم به حضرت معاذ به ویژه توصیه به این امر کردند که از مال و املاک متوسط مردم جهت صدقه بگیر و از آه مظلوم پناه بجو.

او لنگ بود وقتی به یمن رسید و امامت نماز کرد و پای خود را دراز کرد. مردم به این نگاه کردند و پاهای خودشان را نیز دراز کردند. بعد از نماز حضرت معاذ جذبہ اطاعت مردم را ستایش کرد و ناچاری خود را تعریف کرده به آنها فهمانید که این سنت نیست. او اولین کسانی بود که از اجازه پیامبر اکرم هدایای مردم را قبول کرد و از اموال خدا تجارت کرد.

بعد از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت عمر به حضرت ابو بکر عرض داشت که مرخصی که پیامبر اکرم به حضرت معاذ داده بود اکنون نیاز آن باقی نماند پس حال شما باید وی را باز بخوانیید. حضرت ابو بکر مناسب ندانست که مرخصی که از طرف پیامبر اکرم داده شده بود لغو بکند. به موقع حج وقتی حضرت عمر با حضرت معاذ ملاقات کردند، او را فهماند. ابتداءً او نظر حضرت عمر را رد نمود اما بعد از مدتی او در رویا دید که در آب غرق کی شود و حضرت عمر او را نجات داد پس بنا بر این رویا او سخن حضرت عمر را پذیرفت.

حضور انور فرمودند: اینجا صراحت شد که خداوند نیز وی را از این امر متوجه ساخت تا زمانی که نیاز وی رفع نشد، زمانی که قرض ها پرداخته شد و وسعت و فراخی پیدا شد خداوند خود او را متوجه ساخت که حال نتوانی هدیه بگیری و از اموال بیت المال خرج بدهی.

وقتی پیامبر اکرم حضرت معاز را به طرف یمن فرستادند از او استفسار کردند که وقتی قضیه ای پیش آید چه طور قضاوت خواهی کرد. او راجع به کتاب الله سپس

سنت رسول و بعد از این بابت اجتهاد ذاتی عرض کرد، آن وقت پیامبر اکرم اظهار خوشنودی کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت معاذ را پرهیز از مشغول شدن در آسایش زندگی، پیشه کردن تقوی الله و احوال پرسی مریضان توصیه فرمودند و خوش رفتاری با بیوه‌ها و مساکین و خوش اخلاقی با مردم را هم نصیحت فرمودند.

حضورانور با استناد به مسلمانان عصر حاضر فرمودند که نکته اصلی برای جشن میلاد النبی صلی الله علیه و آله پیروی از توصیه های ایشان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نامه بنام اهل یمن فرمودند که من بر شما از لحاظ دانش و دین بهترین مرد را حاکم کرده‌ام. طبق روایت مسند احمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت معاذ بن جبل را بابت اجتناب از شرک، فرمانبری پدر و مادر، ترک نگفتن نماز فرض از روی عمد، پرهیز از می و گناه، دوران جنگ از دشمن فرار نکردن، از منطقه وبای مانند طاعون خارج نشدن و بر اعضای خانواده طبق توان خود خرج کردن و آنان را راجع به تقوی الله دائما تذکر دادن توصیه کردند.

حضرت معاذ بن جبل از ۹ هجری تا ۱۱ هجری در یمن زندگی کرد. باری حضرت عمر حضرت معاذ بن جبل را توسط غلام چهار صد دینار فرستاد و تاکید کرد که ببین چگونه

معاذ این دینارها را بکار میبرد. معاذ بی‌درنگ همه دینارها را تقسیم کرد. همسرش گفت ما نیز تنگدست هستیم باید یک‌کم برای خانواده نیز بگذار. وقتی حضرت عمرؓ این ماجرا را شنید خیلی خوشحال شد.

همینطور باری حضرت عمرؓ فرمودند اگر وقت وفات من نزدیک باشد و ابو عبیده بن جراح فوت کرده باشد من معاذ بن جبلؓ را خلیفه خود برمی‌گمارم و اگر خدای من از من بپرسد که چرا وی را خلیفه مقرر کردی پاسخ می‌دهم که از پیامبر ﷺ تو شنیدم که داشت می‌فرمودند که وی [معاذ بن جبلؓ] بروز رستاخیز پیش علما خواهد آورد.

در ۱۵ هجری هنگام جنگ یرموک وی فرمانده بخشی از لشکر میمنه بود. حمله نصرانی‌ها اینقدر شدید بود که در ابتدا مسلمانان لغزیدند. در این وضعیت و خیم معاذ بن جبلؓ و پسرش شهامت و استواری زیادی نشان دادند. پس مسلمانان دوباره مستولی شدند و پیروز شدند.

حضرت معاذ بن جبلؓ دو همسر داشت. میان هر دو اینطور انصاف می‌کرد که وقتی در خانه اولین بود از خانه همسر دیگر حتی آب نمی‌خورد. این هر دو همسر در شام از

مرض وبا فوت کردند هر دو را در یک گور دفن کردند هنگام دفن کردن وی قرعه کشید که چه کس را اول باید در گور داخل بکند.

چون وقت وفات حضرت معاذبن جبلؓ نزدیک رسید او به گریه افتاد و گفت که من از غم مرگ و ترک گفتن دنیا، گریه نمی‌کنم بلکه فقط به این علت گریه می‌کنم که بهشتی و جهنمی دو گروه باشند و نمی‌دانم در کدام گروه برخاسته خواهم شد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند که بزودی به سوی شام هجرت خواهی کرد و آن از دست تو تسخیر خواهد شد. اما یک مرض آبله و آماس بر تو مسلط خواهد شد. خدا بوسیله آن مردم را شهید خواهد کرد و اعمال شان را تزکیه خواهد نمود.

وقتی در انگشت شهادت حضرت معاذ آماس طاعون ظاهر شد می‌فرمود که: دوست ندارم در عوض این حتی شترهای سرخ نصیب من بشوند.

حضرت معاذبن جبلؓ در ۱۸ هجری در ۳۳، ۳۴ یا ۳۸ سالگی فوت کرد.

حضور انور صحابی بعدی حضرت عبدالله بن عمروؓ را ذکر خیر فرمودند. وی به شاخه بنوسلمه از دودمان خزرج انصار تعلق داشت. هنگام هجرت پیامبر ﷺ چهل ساله بود. وی پدر صحابی معروف حضرت جابر بن عبداللهؓ بود. وی در دومین بیعت عقبه شرکت

کرد و یکی از دوازده نقیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. وی در غزوه احد شهید شد. رویداد پذیرفتن اسلام وی اینطور تعریف می کنند. هنگام دومین بیعت عقبه چون مردم مخلص مدینه مخفیانه به ملاقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند آنان به عبدالله بن عمر گفتند که ای ابو جابر! تو از رؤسا و اشراف ما هستی. ما نمی خواهیم شما هیزم جهنم باشید. پس وی دعوت اسلام را پذیرفت و در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شد و به بیعت عقبه شرکت کرد و به عنوان نقیب منصوب شد.

حضور انور با استناد به [کتاب] سیرت خاتم النبیین تفصیل رویداد دومین بیعت عقبه همچنین تعریف کردند.

در ۱۳ هجری ماه ذوالحجه هنگام حج هفتاد نفر از قبیله اوس و خزرج در نیمه شب در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شدند. آن هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حقوق الله و حقوق بندگان توضیح دادند. نیز فرمودند که من در مورد خود فقط اینقدر می خواهم چنان که عزیزان و اقوام خودشان را محافظت می کنید در صورت لزوم به من نیز محافظت کنید.

هنگام غزوه احد چون عبدالله بن ابی بن سلول غداری کرد آنگاه حضرت عبدالله بن عمرؓ سعی کرد که آن را توضیح و نصیحت کند.

حضرت خلیفة المسیح الرابع دو یا سه سال قبل از خلافت در سخنرانی جلسه سالیانه در مورد حضرت عبدالله بن عمرو فرمودند که خواهر حضرت عبدالله بن عمرو یعنی همسر عمرو بن جموح نیز همچو برادر خود سرشار از محبت پیامبر اکرم ﷺ بود. شوهر، برادر، پسر، در جنگ شهید شدند اما شادمانی سلامتی پیامبر اکرم ﷺ بر غم غلبه یافت. حضرت عایشه تعریف می کند که من همسر عمرو بن جموح هند را دیدم که از میدان کارزار بر می گرد. مهار یک شتر را گرفته بود. پرسیدم درباره میدان جنگ چه خبر است. گفت الحمد لله همه چیز خوب است. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم خوب اند، در این اثنا نگاهم به شتر افتاد که چیزی بر او حمل کرده بود. وی [حضرت عایشه] پرسید این چه است؟ وی گفت نعش های شوهرم و برادرم هستند.

حضرت جابر بیان می کند که پدرم را در یک چادر کفن کردند. رنگش [حضرت عمرو] سرخ بود و قد زیاد طولانی نبود در حالیکه موها در جلوی سرشان زیاد نبودند. در پایان خطبه حضور انور فرمودند که ذکر باقی مانده آینده بیان می شود انشاء الله